

کی جی بی در افغانستان

نوشته و اسیلی متروخین، بایگان ارشد کی جی بی

برگرداننده به دری: داکتر حمید سیماب

قسمت چهارم

سخنی با خواننده

پروژه اكمال و ویرایش سند «کی جی بی در افغانستان»

خوانندگان ارجمندی که دو بخش پیشین این سلسله را از نظر گذشتانده اند شاید متوجه شده باشند که برخی عدم دقت ها در محتوی و شیوه بیان این رساله وجود دارد که تا آنجا که ایجاب می کرد و در توان اینجانب بود در پاورقی ها به آنها اشاره شده است. این رساله در اصل بشکل دستنویس بزبان روسی نوشته شده است. شرایط پر از اضطراب و دلهره بی که در تحت آن اسناد محرم بایگانی کی جی بی پنهانی استنساخ و برون کشیده می شدند از بی دقتی ها در املائی نام ها و عدم مراعات نقطه گذاری که در زبان های اروپایی با دقت و وسواس مراعات می شود، آشکار است. پس ازینکه متروخین با اسناد برون آورده شده از کی جی بی به غرب آمد حجم گفتنی ها و افشا کردنی های مختلف بیشتر از آن بود که بتواند وقت و دقت لازم را برای ویرایش نوشته ها و پژوهش فاکت های یک رساله دستنویس بخرچ دهد.

تا جایی که معلوم است این رساله هنوز بزبان اصلی روسی نشر نشده و همانگونه که درپیشگفتار بخش اول این ترجمه دری آمده، برای نخستین بار در سال ۲۰۰۲ توسط «پروژه تاریخ بین المللی جنگ سرد» مربوط «مرکز بین المللی وودرو ویلسن برای دانشمندان» بزبان انگلیسی به نشر رسید. نسخه انگلیسی این رساله گویا معروض ویرایش قرار گرفته است اما کسانی که نسخه نشر شده انگلیسی را مطالعه کرده اند یا خواهند کرد گواهی خواهند داد که ویرایش انجام یافته ناقص و پر از کاستی هاست و کمتر تلاش صورت گرفته تا نوشته مطابق با معیارهای پذیرفته شده ویرایش مسلکی در غرب ارائه گردد. (املائی نادرست و ناهمگون نام ها، عدم مراعات دقیق نقطه گذاری بخصوص هنگام نقل قول، از هم گسیخته بودن جملات و پراگراف ها و سلیس نبودن بیان). شاید هم این «عدم دقت» در واقع بخاطر بازتاب دهی دقیق اصل روسی بوده باشد.

اینجانب و اکثر خوانندگان این رساله مربوط نسلی هستیم که شاهد عینی وقایع شرح شده درین نوشته بوده ایم و با نامها و شهرت اشخاص ذکر شده و حوادثی که آفریدند تا حد زیادی آشنایی داریم و مستقیماً متأثر از درامه های تاریخی ننگینی هستیم که شرح جریانات پشت پرده آنها درین رساله و در نوشته های بیشمار دیگر آمده است. ولی ما نسلی هستیم که بسوی شامگاه زندگی خودها روانیم و به یقین که خوانندگان جوانتر و آیندگان آن بوی آشنای خاطرات ناگوار این حوادث را که ما استشمام می کنیم نخواهند شنید، بنابراین لازم است توضیحات پاورقی و معرفی اشخاص و حوادث ذکر شده درین رساله هرچه همه جانبه تر و افشاگرتر باشد، که درین امر خود را محتاج مددکاری و همکاری خوانندگان ارجمند می دانم.

درین راستا از خوانندگان با درد این سلسله تقاضا میکنم که در صورتی که در مورد اشخاصی معلومات داشته باشند که درین رساله نام گرفته شده اند ولی معرفی دقیق نگردیده اند با تذکار آن به آدرس پیک برقی kgebdariprject@yahoo.ca در اكمال و بیشتر مؤثقی ساختن این سند که پس از پایان نشر انترنتی بشکل نسخه چاپی انتشار خواهد یافت سهم حقیقت پویانه بگیرند. معلومات ارسالی آنها بنام خودشان در پاورقی ذکر خواهد شد.

درین ارتباط بصورت مشخص معلومات ذیل تقاضا می گردد:

- جاسوس نام گرفته شده در دوران وحشت و خیانت ۷ ثوری چه مقام و منصبی داشت؟
- شخص مذکور اکنون در کجا زندگی می کند؟ اگر فوت نموده چه وقت و در کجا چشم از جهان پوشیده است؟
- «یک تصویر گاهی کار هزار کلمه را می دهد». اگر عکسی از اشخاص ذکر شده درین رساله (چه ایجنت های کی جی بی و چه قربانیان جنایات شان) سراغ داشته باشید با فرستادن یا دادن نشانی آن بر همه خوانندگان منت بگذارید.
- معلومات بیشتر پیرامون کارنامه شخص مورد نظر

سپاس من و همه خوانندگان به آنانی که درین راستا سهم می گیرند از پیش تقدیم باد. (برگرداننده)

۲- کودتای ماه سپتمبر

پ. یو. در اگیاليس (نام مستعار «روموف») مشاور شخصی امین در مسائل مالی و برنامه ریزی، امین را مردی با استعداد و از نظر فکری پخته، ولی سنگدل و جاه طلب وصف کرد. او معتقد بود که امین تلاش دارد قدرت را بدست خود تمرکز دهد. مناسبات باهمی امین و در اگیاليس خیلی خوب بود. در اگیاليس در مورد کار قبلی خود به امین گفته بود. وی در مقام نماینده دایمی جمهوری سوسیالیستی شوروی لیتوانیا در شورای وزیران اتحاد شوروی با رهبران رده اول شوروی دیدار هایی کرده بود. امین از وی پرسید «آیا زیر دست رفیق کاسیگین بودی؟» و وقتی در اگیاليس جواب مثبت داد امین کنایه آمیز گفت: «پس استثنایی ترین فرد در افغانستان هستی!»

تاجایی که به رشد و انکشاف افغانستان ارتباط می گرفت، امین ترجیح می داد تجربه منگولیا را سرمشق قرار دهد. وی چنین توضیح داد: «می دانی، در حال حاضر مانند کودک نوزاد نارس هستیم که از هرگونه گند و عفونت سرماییداری و راه رشد سرماییداری باید محافظت شود. این نوزاد نارس هنوز در آوان روزگار خود قرار دارد. ما هنوز نیرومند نشده ایم و نمی توانیم سرماییداری خصوصی را بکشور خود راه دهیم. رشد و انکشاف افغانستان را چون رشد و انکشاف یکی از جمهوریت های اتحاد شوروی ببندارید. بگذارید چنین انگاشته شود که افغانستان جمهوریت شانزدهم شوروی است.»

باری در جولای ۱۹۷۹ امین مسئله سپرده های پولی افغانی در بانکهای خارجی را مطرح کرد. «می خواهم چیزی برایتان بگویم چون شما مشاورم هستید. ما در بیست بانک خصوصی در کشور های مختلف جهان ۴۰۰ میلیون دالر داریم. این پول صرف در صورتی کشیده شده می تواند که چک های برداشت پول به امضای سه تن امضا کننده قبلاً اختیار داده شده رسیده باشد. نمی توانیم این اشخاص قبلاً معرفی شده را اجازه دهیم به بیرون کشور سفر کنند چون بیم آن می رود که از صلاحیتی که دارند استفاده کنند و پول از دست ما برود. آیا ممکن نخواهد بود ترتیبی بسازیم تا خودم چک ها را امضا کنم و پول را بکشیم؟» امین برای لحظه ای مکث کرد و سپس افزود: «اگر منحیث صدراعظم کشور امضا کنم؟» وقتی از وی بصورت مشخص پرسیده شد که آیا پول به دولت تعلق دارد یا به شخص خودش، جواب داد که به دولت. «لاکن چگونه می توانیم آنرا بدست آریم؟» وی از در اگیاليس خواست تا دریابد که آیا می شود بجای آن سه امضا کننده خودش امضا کند؟ در اگیاليس چنین نتیجه گرفت: «اگر فرض را بر آن بگذاریم که امین نه تنها آرزو دارد بلکه واقعاً قصد دارد تا به هر وسیله ای که شده آن ۴۰۰ میلیون دالر را بدست آورد، پس آیا من و مترجم هر دو شاهدان خطرناک بر نقشه های یک ماجراجو نیستیم؟»

کی جی بی این گفت و شنود را خیلی شگفت انگیز یافت. آیا امین نقشه می کشید تا پول را برداشته و پنهانی ردپا گم کند؟ سرکشی امین بجایی رسیده بود که دیگر از اداره کی جی بی خارج می شد!

دوست^۱ (ایجنت با نام مستعار «پیرس») در دیدارها و گفتگوها به تکرار می گفت که نظریات و خواست های یک یا دو نفر بر همه حزب مسئولی است و همه اعضای دیگر حزب کورکورانه بدنبال آنها روانند. وی اظهار نظر می کرد که باید تره کی کمک کند تا به امین کاری دارای اهمیت کمتری داده شود، یا از آن هم بهتر اینکه به تقاعد و بازنشستگی سوق داده شود.

دفتر نمایندگی کی جی بی و اقامتگاه آن با گذشت هر روز در برابر چنین مشوره ها گوش شنواتر پیدا می کردند. آنها به گردآوری معلومات در مورد رخدادهای مشکوک و زیانبار زندگی امین آغاز کردند و تصمیم گرفتند این روال را ادامه دهند. امین در امریکا با نعمت الله پژواک دوست دیرینه زمان دانشگاه خود که مخالف کمونیسم و قبلاً وزیر معارف بود روابط دوستانه داشت و چندین بار باهم بزم باده نوشی راه انداخته بودند. در راه برگشت از امریکا امین توقفی در اروپا کرد و با ایجنت امپریالیزم علی احمد پوپل سفیر افغانستان در بن دیدار کرد. در کابل وی با سرور ناشر رئیس شرکت سهامی سپین زر که با ظاهر شاه تماس نگهداشته بود رفت و آمد داشت و ناشر در کارزار انتخاباتی به امین مساعدت مالی می کرد. بعد از کودتای ثور امین ناشر را از زندان رها ساخته یک عراده موتر با درپور در اختیارش قرار داد. امین همچنین در اتاق خاصی در هتل سپین زر دیداری داشت با جنرال جیلانی طوطاخیل و یک فرد امریکایی که هویتش شناخته نشد.

^۱ شاه محمد دوست، معین وزارت امور خارجه (پاورقی نسخه انگلیسی بدون ذکر مأخذ)

امین به پیشنهاد تره کی به عضویت در کمیته مرکزی ج.د.خ.ا. کاندید گردید. کارمل با این نامزدی مخالفت نشان داد. میان شان سخنان آتشین رد و بدل شد و امین کارمل را با تفنگچه تهدید کرد.

در سال ۱۹۷۸ امین با حسین پاینده که همسر امریکایی داشت در نیویارک ملاقات کرد. حسین پاینده در برابر احزاب کمونیست هند، پاکستان، عراق، حزب توده ایران و سازمان آزادی بخش فلسطین موضعگیری کینه توزانه داشت.

در جون ۱۹۷۹ رئیس هیئت تجارتی شوروی در افغانستان یو.گ. بولاخ^۲ ملاقاتی داشت با ی.پ. مدیانیک^۳ معاون ریاست اف سی دی^۴. در طی این دیدار بولاخ نظر مامورین ارشد شوروی در کابل مبنی بر ضرورت تغییر جذری سیاسی در رهبری افغانستان را ابراز کرد. نخستین گام درین جهت دور ساختن امین از قدرت و بوجود آوردن فضای اعتماد و نیکخواهی در همه سطوح ارگان های اقتصادی و حزبی بود. پرچمی ها که تا حدی تجربه حکومت داری داشتند می توانستند درین امر نقش مهمی داشته باشند. «آنها احتمالاً خواهند توانست با مردم و با روحانیون مناسبات خوب برقرار سازند. وظیفه عمده اتباع شوروی در افغانستان اینست که مواظب باشند کابل روابط سنتی دوستانه و همسایگی نیک با اتحاد شوروی را تغییر ندهد.»

ایوانوف و اوسادچی تلگرامی به مرکز فرستادند و متذکر شدند که بتاريخ ۱۶ جون ۱۹۷۹ ترون^۵ رئیس دفتر تره کی با وسلکوف^۶ رئیس گروه مشاورین شوروی در اپارتمان وسلکوف ملاقات کرد. درین دیدار ترون اظهار داشت که یک گروه ضد امین مشتمل بر اسلم وطنجار وزیر دفاع، سید محمد گلاب زوی وزیر مخابرات، شیرجان مزدوریار وزیر داخله و اسدالله سروری رئیس آگسا تشکیل شده بود. این وزیران شخصاً در مورد وضع کشور به تره کی گزارش می دادند. امین اصرار داشت که آنها به خودش گزارش دهند چون رئیس شورای وزیران او بود نه تره کی. سروری امین را نزد بوگدانوف بباد انتقاد گرفته بود.

ایوانوف و اوسادچی این نظر را ابراز داشتند که «بهترین شیوه و روش برای ما در چنین وضعیتی اینست تا از تره کی که از نامه دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی استقبال کرده و انرا کمک مستقیم در راه رسیدن به هدفش یعنی استقرار رهبری جمعی در جمهوری دموکراتیک افغانستان خوانده است جابداری نماییم.» دقیقاً یک ماه بعد ایوانوف و اوسادچی نظر خود در مورد وضعیت رهبری افغانستان را به ماسکو چنین اطلاع دادند: «رهبری دسته جمعی اصلاً وجود ندارد. تره کی و امین خود تصمیم می گیرند بدون اینکه از اعضای دیگر کمیته مرکزی ج.د.خ.ا. استشاره کنند. سید محمد گلاب زوی و علی شاه پیمان سرقوماندان ملیشهای خلقی^۷ آشکارا ناخشنودی خود را از امین بیان می کنند.» ایوانوف و اوسادچی فکر می کردند که امین قصد دارد قدرت را غصب کند. «وی مخالف تسوید قانون اساسی و تأسیس ارگان های محلی به شکل شورا های انقلابی مردم است. امین نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به رهبری افغانستان را بیانگر خواست آنها مبنی بر محدود ساختن آزادی عمل وی در نبرد بی امان علیه ضد انقلاب می پندارد. او می خواهد افراد خود را در ماسکو داشته باشد. از جمله پنج عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی که دو تای آن خود تره کی و امین اند، امین از پشتیبانی دو عضو دیگر یعنی شاه ولی^۸ و محمود سوما^۹ برخوردار است. از جمله ۳۰ عضو کمیته مرکزی ۱۴ عضو و از جمله ۱۷ عضو حکومت ۱۱ تن آنها طرفدار و پشتیبان امین اند.»

ایوانوف و اوسادچی چنین نتیجه گیری کردند: «بدین ترتیب، بهبود در وضع رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان امروز تا حد زیادی وابسته به نورمحمد تره کی است. چنین بهبودی ناممکن خواهد بود مگر اینکه اصل

^۲ Yu. G. Bulakh

^۳ Ya. P. Medyanik

^۴ نه متر و خین و نه هم ویر استاران نسخه انگلیسی مربوط به «پروژه تاریخ بین المللی جنگ سرد» مربوط به «مرکز بین المللی وودرو ویلسن برای دانشمندان» توضیح نکرده اند که این «اف.سی.دی.» (FCD) مخفف چیست؟ شاید مخفف «شعبه تجارت خارجی» باشد. — برگرداننده

^۵ سید داود ترون، از یاران و ارادتمندان خاص حفیظ الله امین. در طی حکومت صد روزه حفیظ الله امین نام شهر جلال آباد بیاد جان باختن ترون برای امین رسماً به «ترون بنار» تغییر داده شده بود. — برگرداننده

^۶ Veselkov

^۷ کذا فی الاصل

^۸ دکتر شاه ولی، از پیروان سرسخت حفیظ الله امین و وزیر صحیه در اولین کابینه بعد از ۷ ثور. پس از قتل تره کی بدست امین و امینیان در سپتمبر ۱۹۷۹، دکتر شاه ولی سمت معاون حفیظ الله امین را در امور حزبی و دولتی داشت. — برگرداننده

^۹ محمود سوما، وزیر تحصیلات عالی در اولین کابینه پس از کودتای ثور — برگرداننده

رهبری جمعی پذیرفته شده و جلو آرزوی امین برای حکمروایی تکفردانه گرفته شود. نکته دیگر در ابراز نظر ایوانوف و اوسادچی آن بود که امین نتوانسته بود مناسبات کاری سالمی با پوزانوف برقرار کند. واضح نیست که چرا برعکس آن نبوده چون پوزانوف به امین اعتماد نامه آورده بود، نه برعکس آن!

بروز اول سپتمبر ۱۹۷۹ کی جی بی نظر خود در مورد راه های ممکن فایق آمدن بر وضع بحرانی افغانستان را به بالاترین مقامات دولت شوروی بیان داشت. یادداشت داده شده تصریح کرد که حکومت تره کی و امین آشکارا اتوریته خود را در بین مردم از دست می داد و مردم بگونه فزاینده احساسات ضد شوروی پیدا می کردند. مشوره ها و پیشنهادهای نمایندگان شوروی در سطوح مختلف به تره کی و امین مبنی بر کار بیشتر با توده ها بمنظور دادن قاعده وسیع اجتماعی به رژیم تقریباً در کل نادیده گرفته می شد. تره کی و امین برای حل همه پرایلم های داخلی بر نیروی نظامی اتکا می کردند و به مجازات های کتلوی ناحق و غیر موجه ادامه می دادند. امین سازمانده عمده این سیاست بود.

یادداشت توصیه های ذیل را پیش کشید:

۱- راهی باید یافت تا امین از رهبری کشور برکنار گردد چون سیاست داخلی غلطی را پیش می برد. وی باید شخصاً مسئول اقدامات غیر موجه مجازات کتلوی و ناکامی سیاست های داخلی دانسته شود.

۲- باید تره کی به اهمیت ایجاد یک حکومت ائتلافی دموکراتیک که اعضای ح.د.خ.ا. به شمول پرچمی ها در آن نقش اساسی داشته باشند متقاعد ساخته شود. نمایندگان وطنپرستان از اقشار روحانیون و قبایل و نمایندگان اقلیت های ملی و روشنفکران باید به حکومت راه داده شوند.

۳- زندانیان سیاسی بخصوص اعضای جناح پرچم که به شکل غیر قانونی دستگیر و زندانی شده اند باید رها و اعاده حیثیت شوند.

۴- باید یک دیدار غیر رسمی^{۱۰} با ببرک کارمل رهبر جناح پرچم که به جمهوری سوسیالیستی چکسلواکیا مهاجرت کرده است جهت بحث روی استقرار وضع داخلی در جمهوری دموکراتیک افغانستان راه انداخته شود.

۵- در صورتیکه وضع بحرانی در کشور به وخامت گراید باید هیئت رهبری احتیاطی برای ح.د.خ.ا. تدارک دیده شود.

برخی ازین پیشنهادات شالوده سندی شدند که بخاطر ملاقات برژنف با تره کی بروز ۱۰ سپتمبر تسوید گردید. به نمایندگی شوروی در هاوانا هدایت داده شد تا ملاقاتی را با تره کی سازماندهی کند و در طی آن از تره کی بخواهد تا سر راه برگشت خود به کابل بخاطر یک ملاقات مهم با برژنف در ماسکو توقف کند.

برژنف بروز ۱۰ سپتمبر با تره کی دید و با متانت و وقار یادداشتی را که کی جی بی تهیه کرده بود و مشترکاً توسط اندروپوف، اوستینوف^{۱۱} و گرومیکو تصویب شده بود برخواند. درین یادداشت از بیم رهبری شوروی در مورد وضع در افغانستان، ح.د.خ.ا. و رهبری آن صحبت شده بود. نکته عمده یادداشت این بود: «وظیفه یی را که مقابل شما، رفیق تره کی، دارم به خوبی انجام داده نخواهم بود اگر موضوع دیگری را که نه تنها برای رفقای شوروی تان بلکه بر اساس معلوماتی که داریم برای اعضای ح.د.خ.ا. نیز منبع نگرانی زیاد است مطرح نکنم. نقش خاص شما، رفیق تره کی، منحصی منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. در رهبری حزب و دولت در شرایط انقلاب افغانستان قابل درک است، اما تمرکز قدرت بی حد در دست دیگران، حتی نزدیکترین دستیاران تان، می تواند برای سرنوشت انقلاب خطرناک باشد. مصلحت نخواهد بود کسی موقف خاصی در رهبری کشور، قوای مسلح و ارگان های امنیت دولتی داشته باشد.» (فورمول آزوده شده برای استبداد و خودکامگی!)

این دستور مستقیم و آشکاری بود به تره کی تا خود را از شر امین خلاص کند. نمایشنامه یک درامه سیاسی با اجازه آوردن آن بروی صحنه زندگی واقعی برای تره کی داده شده بود. رهبری شوروی تصمیم گرفته بود تا امین را دستپاک قرار دهد و گناه همه اشتباهات، ناکامی ها، و جنایاتی را که از نظر سیاسی و نظامی واقع شده بود به گردن او بیندازد.

Formatted: Indent: Before: 0 cm, First line: 0,5 cm, Space After: 6 pt

^{۱۰} در اصل واضح نیست که منظور ملاقات غیر رسمی بین تره کی و کارمل است یا بین کارمل و رهبران شوروی. - برگرداننده

^{۱۱} مارشال دمیتری اوستینوف Dimitriy Ustinov، از ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۴ وزیر دفاع اتحاد شوروی - برگرداننده

تره کی پیش ازینکه به کابل پرواز کند با ا.و. پتروف، رابط سابقش با کی جی بی ملاقات کرد. وقتی تره کی به قدرت رسید اعضای اقامتگاه کی جی بی او را به شوخی بجای «نورمحمد تره کی» «نیکولای میخائیلویچ تره کانوف» نام گذاشتند. (تره کان در زبان روسی مادر کیکان را گویند.)

هیئت رهبری افغانستان همه جهت استقبال از تره کی به فرودگاه کابل آمده بودند. تره کی بدون درنگ به پیاده سازی دستورهای برژنف آغاز کرد. جلسه شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان بروز ۱۱ سپتمبر انعقاد یافت و در آن تره کی با اظهار رضانیت عمیق از ملاقات خود با برژنف گزارش داد ولی موضوع اصلی گفتگو را طبعاً پنهان نگهداشت. تره کی در مورد کنفرانس سران دولت ها و حکومت های کشور های غیر منسلک در هاوانا و ملاقات ها و صحبت هایی که در آنجا انجام داده بود صحبت کرد. در همان روز تره کی با پوزانوف نیز دیدار کرد. حوادث به سرعت انکشاف می کرد.

پوزانوف، ایوانوف و گوریلوف به دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اطلاع دادند که مناسبات بین تره کی و امین بگونه چشم گیری رو به خرابی می رفت. آنها بروز ۱۳ سپتمبر نوشتند: «در ملاقاتی بروز ۱۲ سپتمبر به تعقیب برگشت تره کی به کابل، امین در مورد وضع کشور و حزب به تره کی گزارش داده به تأکید متذکر شد که در هنگام غیابت تره کی سو قصدی علیه او راه انداخته شده بود که عاملین آن گلاب زوی وزیر مخابرات، سروری رئیس آگسا، وطنجار وزیر داخله و مزدوریار وزیر سرحدات بودند. وی موضوع برکنار سازی این اشخاص از پست های شان و مجازات آنانرا مطرح کرد. تره کی کوشش کرد امین را متقاعد سازد که معذرت این اعضای حکومت را بپذیرد و موضوع را پایان یافته بینگارد ولی امین قبول نکرد.» پر آشکار بود که تره کی از پیش موضع خود را تعیین کرده بود. وی به گزارش مفصلی که سروری از دیدگاه رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان درین مورد ارائه کرد گوش فراداد. سروری در گزارش خود تأکید کرد که آغاز گر مبارزه درونی در حزب جز امین کسی نبود.

«بروز ۱۳ سپتمبر تره کی از امین دعوت کرد تا گفتگو در مورد نورمال سازی رهبری را ادامه دهند. وقتی امین دریافت که گلاب زوی، وطنجار و مزدوریار نیز به این گفتگو دعوت شده بودند از اشتراک بصورت قطع خودداری کرد و حتی وقتی تره کی ذریعه تلفون وعده کرد که همه مخالفینش را از مقامات شان عزل خواهد کرد و گفت که آماده است بپذیرد که امین منشی عمومی کمیته مرکزی ج.د.خ.ا. گردد، نیز فکر خود را تغییر نداد. پس ازین مکالمه با تره کی، امین جانناد رئیس گارد ملی و یعقوب لوی درسنیز قوای مسلح را به دفتر خود احضار کرد و به آنها امر کرد که هیچگونه امر و هدایت تره کی را تعمیل نکنند. امین اعلام کرد که از سمت صدارت دست کشیده وزیر دفاع و مسئول همه نیرو های مسلح خواهد بود. اسدالله امین که معین وزارت خارجه، منشی کمیته شهری شهر کابل ج.د.خ.ا. و خویشاوند امین بود همه وقت خود را در ساختمان کمیته حزبی شهری گذشتاند. به همه طرفداران امین امر شد تا در جایگاه های خود باقی مانده با حفیظ الله امین و اسدالله امین تماس و ارتباط دوامدار خود را نگهدارند.

ساعت ۹:۳۰ شب ۱۳ سپتمبر وضع بحرانی بود و امکان آن می رفت که امین واحد های نظامی وفادار به خود را امر کند تا علیه تره کی سلاح بردارند. هردو گروه کوشش می کردند جانبداری ما (شوروی ها) را جلب کنند. ما در قسمت خود مصرانه پافشاری می کردیم که وضع در رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان باید بر اساس خط مشی حزبی یعنی بصورت دسته جمعی نورمال ساخته شود. در عین زمان ما کوشش می کردیم تا اعضای هر دو گروه را از اقدام شتاب زده و سنجیده نشده باز داریم.»

در تلگرافی که عنوانی اندروپوف فرستاده شد چنین آمده بود: «تره کی باز هم کوشش کرد امین را متقاعد سازد تا به محل بود و باشش بیاید اما امین رد کرد و اعلام نمود که همه خواست هایش باید پذیرفته شوند ورنه دست به اقدامات فعال خواهد زد. تره کی جواب داد که این یک دسیسه است و مذاکرات قطع گردید. سروری، گلاب زوی، وطنجار و مزدوریار به ساعت ۷:۳۰ شام روز ۱۳ سپتمبر به سفارت شوروی آمدند. سروری از نام تره کی تقاضا کرد که گروهی از رفقای شوروی به عاریت داده شوند تا در عملیات دستگیری امین کمک کنند. آنها دلیل این درخواست را چنین توضیح کردند که هواخواهان حفیظ الله امین در گارد خانه خلق^{۱۲} موجود بودند و بنابراین نمی شد بر آنها اعتماد تام کرد. ساعت ۲۰:۹ ترون رئیس دفتر شورای انقلابی ذریعه تلفون به نماینده

شوروی اطلاع داد که امین به محل رهپیش تره کی آمده و هر دو مشغول مذاکره هستند. در پاسخ به وی گفته شد که «سفیر کبیر شوروی پوزانوف، ا.گ. پافلوفسکی¹³ و ب.ی. ایوانوف در ظرف یک ساعت با آنها دیدار خواهند کرد.»

تلگرام بعدی، این بار عنوانی برژنف، اندروپوف و گوریلوف فرستاده شد. تلگرام چنین بود: «بسیاعت ۹:۰۰ شام به وقت ماسکو روز ۱۳ سپتمبر به درخواست بوروی سیاسی از تره کی در محل اقامتش در خانه خلق دیدار کردیم. تره کی به درخواست ما از حفیظ الله امین دعوت کرد و او هم فوراً آمد. (وی در اتاق پهلو بود). تره کی و امین با دقت به اعلامیه رهبری شوروی یعنی دفتر سیاسی و شخص رفیق برژنف گوش فرادادند. تره کی گفت: "پیام خیلی شایان توجه است و طبیعی است که رفقا و برادران شوروی ما چنین پیامی برای ما بفرستند. ما طرفدار وحدت هستیم اما گاهی برخی مسائلی بروز می کنند که باید حل گردند. در روزگار انقلاب چنین می باشد، اما مشکلات کنونی آنقدر بغرنج نیستند. من از رهبری شوروی بخاطر پیام هرچند کوتاه ولی بموقع، پر محتوی و عمیق شان سپاسگزارم. پاسخ ما نیز کوتاه است، گرچه جا دارد درمورد این موضوع زیاد گفته شود."»

تلگرام چنین ادامه داد: «امین اعلام داشت که وی کاملاً با آنچه گفته شد موافق است و حتی در ملاقاتی با رفیق گرومیکو در بهار سال ۱۹۷۸ وی (حفیظ الله امین) به وزیر امور خارجه اتحاد شوروی گفته بود که رفیق تره کی رهبر شناخته شده است و او، حفیظ الله امین، افتخار پیرو صدیق تره کی بودن را دارد و اگر او، یعنی حفیظ الله امین، قبل از تره کی جان بسپارد با این آگاهی به پیشواز مرگ خواهد رفت که وظیفه خود را بسر رسانده است و اگر تره کی از خدمت مادر وطن در ماند، وی، حفیظ الله امین، منحیث شاگرد وفادار تره کی هر آنچه در توان دارد بخرج خواهد داد تا کار استاد خود را ادامه دهد.»

«در جریان گفت و شنود بعدی ما تأکید کردیم که وحدت حزب و رهبری کشور کلید اصلی نیل به پیروزی بر دشمنان انقلاب و اعمار زندگی نوین خواهد بود. تره کی با این گفته موافقت نشان داد و گفت که رفیق برژنف با وی هنگام گفتگوی شان در ماسکو بتاريخ ۱۰ سپتمبر به نحو خیلی قناعت بخش پیرامون ضرورت وحدت در حزب و رهبری سخن گفته بود. تره کی بعداً از رفیق پافلوفسکی خواست تا در مورد پیشرفت عملیات نظامی برای آنها بگوید. به ما بعداً گفته شد که پیش از آمدن ما امین به اراده خود نزد تره کی آمده بود. از قرار معلوم آنها باهم صحبت کرده و به توافق معینی رسیده بودند.»

ادامه دارد ...

¹³ Ivan G. Pavlovskiy جنرال ایوان گ. پافلوفسکی مهابون وزیر دفاع و قوماندان نیرو های زمینی اتحاد شوروی. وی که در سال ۱۹۷۹ هفتاد و یک سال عمر داشت در سال ۱۹۶۸ کمی پیشتر از لشکر کشتی اتحاد شوروی به چکسلواکیا به ریاست هیئتی به چکسلواکیا رفته بود. در سال ۱۹۷۹ رئیس هیئت نظامی شوروی بود که مصروف دیدار از افغانستان بود. (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)